

بررسی و تحلیل عوامل بازدارنده اشتغال زنان روستایی در شهرستان

کاشمر

سید امیر محمد علوی زاده^{۱*}، علی شمس‌الدینی^۲ و فاطمه حسینی^۳

چکیده

زنان از نظر اشتغال در مقام مقایسه با مردان، در یک حالت نا متعادل هستند. این امر از عوامل و موانع زیادی ناشی می‌شود. گستردگی دامنه موانع اشتغال زنان نشان می‌دهد که جز با برنامه‌ریزی یکپارچه و اصولی و تلاش گسترده در سطح ملی، نمی‌توان به بهبود وضعیت اشتغال زنان خوش‌بین بود. بدین ترتیب، در این پژوهش در پی شناخت موانع فراروی اشتغال زنان روستایی در دهستان بالاوایت شهرستان کاشمر هستیم. این پژوهش به لحاظ روش از نوع توصیفی تحلیلی بوده و داده‌ها به روش میدانی با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی و آزمون فریدمن (*Sps*)، استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش را تمامی زنان روستایی در سن فعالیت دهستان بالاوایت شهرستان کاشمر (۱۰۱۹۴ نفر) تشکیل می‌دهند که از این جامعه تعداد ۳۷۰ نفر از روش فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه تعیین شدند. براساس نتایج تحلیل عاملی، ۸ عامل نهایی تبیین شدند، که در مجموع توانسته‌اند ۶۰/۳۱۴ درصد از واریانس تمامی متغیرهای پژوهش را تبیین کنند. عامل سیاست‌گذاری بیش‌ترین واریانس (۹/۱۸۹) و عامل روان‌شناختی کم‌ترین واریانس را دارا می‌باشند. هم‌چنین، از بین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی بعد فرهنگی با میانگین ۴/۲۴ بیش‌ترین تاثیرگذاری را داشته و شاخص‌های «نداشتن پشتوانه مالی و پس انداز کافی»، «پایین بودن سطح سواد زنان روستایی» و «وظایف زیاد زنان در خانه» با میانگین ۱۹/۲۶، ۱۸/۰۴ و ۱۷/۲۴ به عنوان اثرگذارترین موانع اشتغال زنان در این دهستان شناخته شده‌اند. بدین ترتیب می‌توان گفت که رفع این موانع با برنامه‌ریزی‌های متنوع به وسیله مسئولان، به اشتغال هرچه بیش‌تر زنان روستایی کمک خواهد کرد.

واژه‌های کلیدی: اشتغال زنان، موانع، عوامل بازدارنده، تحلیل عاملی، کاشمر.

۱- استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲- باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

*- نویسنده مسئول مقاله: alavipnu@gmail.com

پیشگفتار

نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و بی گمان زنان در این فرایند نقشی مهم را عهده دار هستند (Ahmadi & Keshavarz, 2012). در حالی که در کشورهای پیشرفته زنان سهم خویش را از اشتغال و مشاغل حرفه‌ای در سطحی گسترده افزایش داده‌اند در کشورهای در حال توسعه نقش زنان در بخش کشاورزی، کارهای بی مزد خانه و فعالیت‌های غیررسمی بیش‌تر مشاهده می‌شود (Alaeddin & Razavi, 2004). این در صورتی است که حدود نیمی از جمعیت ایران را زنان و دختران تشکیل می‌دهند که به دلایل گوناگونی از عرصه تولید و اقتصاد به دور مانده‌اند (Hemayati kalash, 2010). مشارکت زنان ایرانی در بازار کار، صد سال پس از حضور هم‌تایانشان در جوامع صنعتی بوده است این مشارکت، در طول سه دهه اخیر، با نوسان‌هایی شدید روبه رو شده است. بر اساس آمارهای ارایه شده، نرخ مشارکت زنان در بازار کار کشورهای پیشرفته امریکای شمالی و کانادا، حدود پنجاه درصد است، در حالی که این عدد در کشورهای خاورمیانه، بین یازده تا سیزده درصد است. نرخ اشتغال زنان در ایران، بر اساس آمارهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، حدود یازده درصد و بر اساس برخی آمارهای غیررسمی، بالغ بر سیزده درصد است (Alizade, 2011).

براساس سرشماری‌های مرکز آمار ایران، سهم زنان در نیروی کار از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ ابتدا روندی صعودی را طی کرده و از ۹/۷ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۱۳/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته است و سپس روند نزولی را در پیش گرفته و به ۸/۸ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده و پس از آن در طی دو دهه اخیر میان ۹ تا ۱۲ درصد در نوسان بوده است. هم‌اکنون براساس تازه‌ترین آمار فقط بیش از ۱۲ درصد از زنان ایرانی در فعالیت‌های اقتصادی در کشور سهم دارند که سهم اندکی است؛ در سال ۱۳۹۳، ۱۰/۸ درصد از جمعیت فعال ۱۵ تا ۶۴ سال را بیکاران تشکیل دادند که از مجموع تعداد این بیکاران، ۳۰/۴ درصد مربوط به گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال، ۶۱/۸ درصد مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۴۴ سال و ۷/۷ درصد مربوط به گروه سنی ۴۵ تا ۶۴ سال بوده است که این نسبت‌ها برای مردان به ترتیب ۳۰/۶ درصد ۵۹/۵ درصد و ۹/۹ درصد و برای زنان ۳۰/۲ درصد، ۶۷/۱ درصد و ۲/۷ درصد بوده است (Iran's Statistical Organization, 2014).

شاخص‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که با وجود افزایش سهم زنان در آموزش عالی، کاهش مقدار موالید، افزایش سن ازدواج، توسعه شهرنشینی و افزایش تقاضای کار زنان که بیش‌تر آنان تحصیل کرده هستند، جامعه ما نتوانسته از نیروی کار بالقوه زنان به گونه‌ای کارآمد استفاده و آنان را به عرصه‌های شغلی هدایت کند (Kazemipour, 2006).

از آنجایی که روستاها نقشی مهم در توسعه کشورهای جهان سوم بازی می‌کنند، یکی از مهم‌ترین مواردی که می‌تواند به توسعه روستایی کمک کند اشتغال زنان است. جوامع روستایی در

زمینه‌های گردشگری، زراعی، صنایع دستی، صنایع کوچک، پتانسیل‌های فراوان دارند که این زمینه‌ها می‌تواند مشاغل پایداری را برای زنان منطقه ایجاد نماید (pourrajab et all, 2013).

تحولات کنونی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا با وجود پیامدهای مثبتی که جهت بهبود شرایط زیست در روستا داشته، اما این موارد سبب گردیده تا از نقش فعال زنان در عرصه تولید کاسته شود و زنان روستایی تولید کننده گذشته، تبدیل به زنان خانه‌دار مصرف کننده شوند. این امر نه تنها پیامدهای منفی در عرصه اقتصاد به جای می‌گذارد بلکه در عمل قشر فعال عظیمی را از فرایند تولید حذف کرده و رشد اقتصاد ملی را نیز کند کرده است (Dadvarkhani, 2005). این افزایش نرخ بیکاری در روستاها بویژه در قشر زنان و جوانان باعث مشکلات بسیار زیادی مانند حاشیه نشینی، کاهش کیفیت زندگی، کمبود اشتغال، افزایش مهاجرت به شهرها و در نتیجه افزایش جرم و جنایت در شهرها شده است. از سوی دیگر، کاهش شاغلان (کاهش ۲۳/۴ درصدی) این واقعیت را نشان می‌دهد که در آینده توسعه کشاورزی به تنهایی نمی‌تواند رشد اقتصادی را در روستاهای کشور تضمین کرده و فقر را ریشه کن سازد (Najafi kani et all, 2014).

از بعد اجتماعی، اشتغال زنان در کنترل جمعیت، کاهش باروری، افزایش سطح آگاهی خانواده و تغییر نگرش‌های خانواده نسبت به فعالیت اشتغال‌زایی زنانه در عرصه حوزه عمومی کار نقش بسزایی در توسعه اجتماعی جامعه داشته است. باین حال، هنوز موانع بیولوژیکی و شخصیتی، با تأکید بر ناتوانی فیزیکی و بنیه جسمی در زمینه فعالیت اشتغال زنان، وجود موانع فرهنگی، چون تعصب، پیش داوری، تسلط قدرت مردان و عدم توجه به فعالیت و کار زن در جامعه وجود دارد. وجود موانع اجتماعی چون بی توجهی به آموزش زنان، تمایز کاری میان اشتغال زنان و مردان و غیره در شکل گیری اشتغال نداشتن این جنس در جامعه نقش مشاغل و استثمار شغلی موجب شده است که نوعی پایداری در عرصه توسعه اشتغال زنان در جامعه بوجود آید (Sharbatian, 2008).

دهستان بالا ولایت از توابع بخش مرکزی شهرستان کاشمر واقع در استان خراسان رضوی می‌باشد که ۲۸۱۸۸ نفر (۸۴۶۵ خانوار) جمعیت دارد. از این تعداد ۱۳۸۲۰ نفر مرد و ۱۴۳۶۸ نفر زن می‌باشند؛ از کل جمعیت زنان این دهستان حدود ۱۰۱۹۴ نفر یعنی ۷۱ درصد در سن فعالیت اقتصادی می‌باشند (Iran's Statistical Organization, 2011).

با توجه به این که دهستان بالا ولایت از منابع طبیعی فراوان مانند زمین‌های حاصل خیز کشاورزی، فعالیت صنایع دستی و ظرفیت گردشگری مناسب برخوردار است که می‌تواند شرایطی مناسب را برای اشتغال زنان در سطح محلی و منطقه‌ای فراهم سازد و زنان روستایی می‌توانند با نیروی کار خود افزون بر تجهیز منابع مالی، به تامین منابع غیرمالی در اقتصاد خانواده نیز کمک کنند و نقشی مهم در توسعه اقتصادی منطقه داشته باشند؛ لذا هدف این پژوهش پاسخ به این

پرسش است که موانع فراروی اشتغال زنان روستایی دهستان بالا ولایت کدامند؟ در زیر به دو فرضیه پژوهش اشاره می‌شود:

- بین ابعاد گوناگون بازدارنده اشتغال زنان بعد اقتصادی بیش‌ترین اثر را دارد.
- در بین شاخص‌های ابعاد گوناگون، شاخص نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی بیش‌ترین اثر بازدارندگی در اشتغال زنان را دارا می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه

شرکت زنان در فعالیت اقتصادی از آغاز پیدایش بشر واقعیتی انکارناپذیر بوده است و زنان از زمان‌های گذشته سهمی عمده در تولید ملی داشته‌اند. از این گذشته امروز این واقعیت نیز کمابیش پذیرفته شده که در دوره کنونی چنانچه شرایطی مناسب برای کار زنان فراهم باشد، آنان می‌توانند فراتر از نقش‌های سنتی خود عمل کنند و با مشارکت در بازار کار موجب افزایش سطح تولید و درآمد سرانه ملی و در نتیجه افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه شوند، اما با وجود مزایایی که مشارکت زنان برای دست‌یابی به توسعه پایدار دارد، آمار و ارقام شاغلان در ایران نشان می‌دهد که نابرابری جنسی به موقعیت حاشیه‌ای زنان در بازار کار منتهی می‌شود و از استعدادها و توانمندی‌های این قشر به خوبی استفاده نمی‌شود (Rafatkah & Kheyrikah, 2013).

افزون بر مطالب بیان شده زنان در بازار کار از لحاظ نوع شغل، موقعیت اشتغال و مقدار درآمد ناشی از کار با شرایطی متفاوتی نسبت به مردان روبه‌رو هستند. که نظریه‌هایی بمنظور تحلیل و تبیین این تفاوت‌ها شکل گرفته است. نظریه‌های اصلی در این زمینه، نظریه نئوکلاسیک، نظریه تفکیک شدن بازار کار و نظریه جنسیت می‌باشد:

(۱) **نظریه نئوکلاسیک:** این نظریه برای تبیین تفاوت‌های جنسیتی و اختلاف درآمد بین کار مردان و زنان به متغیرهایی نظیر مسولیت‌های خانوادگی، نیروی جمعیتی، آموزش‌های عمومی، غیبت و جابه‌جایی از کار اشاره می‌کند و این عوامل را در مقدار بهره‌وری نیروی کار مؤثر می‌داند (Kar, 1994).

(۲) **نظریه تفکیک بازار کار:** در این جا بین دو گروه از مشاغل تفاوت وجود دارد: مشاغل گروه نخست که از لحاظ پرداخت مزد، تأمین بیش‌تر و فرصت‌های بیش‌تر وضع نسبتاً خوبی دارند. مشاغل گروه دوم با مزد کم‌تر، تأمین کم‌تر و محدودیت در زمینه امکان پیشرفت روبه‌رو هستند. در مشاغل گروه نخست ثبات کارگر در کار برای کارفرما اهمیت دارد. جابه‌جایی که در کار زنان دیده می‌شود، احتمال جذب آن‌ها را به مشاغل گروه دوم بیش‌تر می‌کند (Kar, 1994).

۳) **نظریه مبتنی بر جنسیت:** نکته اصلی این نظریه این است که موقعیت تابعی زنان در بازار کار و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک سیستم اجتماعی است که زنان تابع مردان هستند (Kar, 1994).

بر اساس رویکردهای جامعه‌شناختی رویکرد زنان به اشتغال تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی قرار دارد. اگر اهداف یک جامعه متعالی و خواهان رشد و توسعه فردی و اجتماعی در همه زمینه‌ها باشد، برای گام نهادن در مسیر توسعه پایدار، توسعه‌ای که کاملاً با نیازها و خواسته‌های واقعی مردم و با اهداف و آرمان‌های جامعه سازگار باشد، مشارکت همه آحاد جامعه اعم از زن و مرد ضروری است (Rafatkah & Kheyrkhan, 2013).

به نظر گاردنر^۱ نرخ مشارکت نیروی کار بویژه زنان تحت تاثیر ترکیبی از عوامل قرار دارد که عبارتند از:

الف) طول مدت تحصیل که باعث مشارکت کم‌تر جوانان در نیروی آماده به کار می‌شود؛ ب) امکان دسترسی به شغل مناسب که باز باعث تغییر نرخ مشارکت می‌شود؛ ج) ایجاد تغییرات در باورهای عمومی، بویژه پیرامون اشتغال زنان در خارج از خانه؛ در واقع علل این امر برای کشورهای گوناگون متفاوت است، ولی نبود فرصت‌های شغلی جذاب را می‌توان مهم‌ترین این موضوع دانست (Yazdkhasti & Ahmadi, 2006).

عوامل موثر بر سهم زنان در نیروی کار

الف) عوامل اقتصادی

۱- **تورم اقتصادی:** تورم باعث می‌شود زنان در مقام نان آور دوم، بویژه در میان طبقه درآمدی پایین، وارد صحنه فعالیت و کار شوند که این خود بر مقدار مشارکت و بیکاری و سطح دستمزدها اثرگذار خواهد بود. می‌توان گفت مهار تورم به مفهوم مهار یکی از عوامل اثرگذار بر ورود زنان به بازار کار می‌شود (Elmi, 2004).

۲- **توزیع درآمد:** هر چه توزیع درآمد نابرابرتر باشد، برای حمایت از سطح واقعی مصرف خانوار، زنان اقدام به فعالیت اقتصادی بیرون از خانه خواهند کرد.

۳- **نقش دولت:** هر چه دولت بیش‌تر بر اقتصاد نظارت داشته باشد و حجم آن بیش‌تر باشد، مانع تبعیض مردان نسبت به زنان می‌شود. کاهش تصدی دولت و خصوصی‌سازی نیز می‌تواند در اشتغال زنان تأثیرگذار باشد. با توجه به این‌که در ایران بخشی گسترده از زنان تحصیلکرده در بخش

¹ - Gardner

عمومی فعالیت دارند، این سیاست گذاری می تواند بر بازار کار در ایران و بویژه سطح مشارکت و اشتغال زنان تاثیر بگذارد.

۴- مقدار بیکاری: هر چه بیکاری بالاتر باشد، زنان از جستجوی شغل دلسرد خواهند شد (Yazdkhasti & Ahmadi, 2006).

۵- سطح دستمزد زنان: سطح دستمزد باید هزینه های فرصت و ماندن در خانه و امور خانه داری را جبران کند.

۶- شرایط اجتماعی و اقتصادی خانوار و مقدار دستمزد همسر: اگر شرایط اقتصادی و اجتماعی خانوار بهتر باشد، زنان کم تر به درآمدهای کاری وابسته اند. هر چه دستمزد همسر بالاتر باشد، هزینه فرصت از دست رفته برای او بالاتر است، در این صورت تقسیم کاری بوجود می آید و زن در امور خانه و مرد وارد فعالیت اقتصادی می شود (Yazdkhasti & Ahmadi, 2006).

ب) عوامل جمعیت شناختی

۱- مقدار باروری: افزایش مقدار باروری همراه با افزایش مسئولیت زنان در خانه است. بنابراین، افزایش باروری عامل بازدارنده زنان از فعالیت های خارج از خانه است (Hadiyan & Hamidpour, 1999).

۲- آموزش و تحصیلات: هر چه تحصیلات و آموزش زنان بالاتر باشد، احتمال یافتن شغل برای آن ها در بخش های گوناگون اقتصادی بیش تر می شود. تحصیلات زنان در سال های اخیر نقشی مهم در مقدار مشارکت آنان داشته است (Yazdkhasti & Ahmadi, 2006).

ج) عوامل فرهنگی

از جمله موانع فرهنگی می توان به تفاوت و تبعیض در فرایند اجتماعی شدن زن و مرد، حاکم شدن تفکر مردسالاری در جامعه اشاره کرد.

با نگاهی به اجتماع، قوانین (شامل قوانین ناظر بر خانواده و قوانین کار) سنت و عرف اجتماعی استنباط می شود که نگرش حاکم، مرد را نان آور خانه تلقی می کند و بنا به همین نگرش مشارکت و فعالیت اقتصادی زنان لازم و ضروری بشمار نمی آید. در حالی که با توجه به افزایش سطح سواد دختران و نیز سهم قبول شدگان دختر در دانشگاهها، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش بعد خانوار و کاهش قدرت خرید سرپرست خانوار، افزایش سریع نرخ مشارکت زنان در سال های آتی قطعی است و باید برای ایجاد فرصت های شغلی مناسب، با توجه به سطح سواد و مهارت آن ها برنامه ریزی شود. در این صورت برنامه ریزان توسعه همواره باید در نظر داشته باشند که در ارتقای شرایط اجتماعی، زنان شهروندان درجه دوم، ضعیف یا حاشیه ای نیستند،

بلکه برای رسیدن به شرایط مطلوب اجتماعی، باید بر نقش زنان به عنوان فعال اقتصادی تأکید شود (Tavakkoli Valla, 2006).

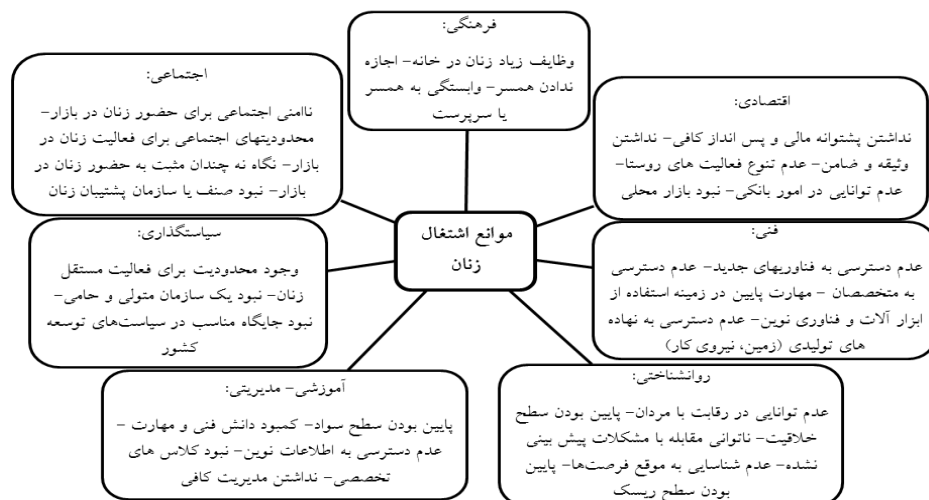
د) قوانین رسمی و قواعد اجتماعی

قوانین رسمی و قواعد اجتماعی مرتبط با حقوق و وظایف اجتماعی و فردی زنان بر مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی اثر می‌گذارد. در این مورد اگر حقوق زنان در قبال مالکیت اموال، تقسیم ارث، تعیین همسر، تصمیم‌گیری در خانواده و انتخاب شغل، قوانین مرتبط با اشتغال زنان در جامعه و سیاست‌های دولتی موافق با گسترش اشتغال زنان باشد، تسهیلات لازم در بکارگیری زنان در مشاغل مهیا می‌شود (Mahmoodiyan, 2003).

ه) عوامل اجتماعی

از عوامل اجتماعی می‌توان به تفکیک جنسیتی آموزشی، سیاست‌های محدود کننده در انتخاب رشته تحصیلی و شغل برای دختران، قوانین ناظر بر خانواده، قوانین کار، وجود تبعیض در ساختار اشتغال ایران و نحوه‌گزينش نیروی کار، تقسیم جنسی مشاغل زنانه و مردانه اشاره کرد (Tavakkoli Valla, 2006).

روی هم رفته، زنان نرخ جابه‌جایی بیشتری از مردان در اشتغال دارند، بیش‌تر در استخدام‌های فصلی و موقتی وارد می‌شوند و به مقدار نامتعادلی در مشاغلی مانند پرستاری، آموزش و کارهای دفتری و منشی‌گری مشغول به فعالیت می‌شوند. افزون بر این، سطح مشارکت زنان با سن و وضعیت زناشویی کاملاً وابسته است. بالاترین نرخ مشارکت اواخر سنین نوجوانی و اوایل ۲۰ سالگی را نشان می‌دهد، اما در حدود ۳۰ سالگی نرخ مشارکت دوباره سرعت افزایش می‌یابد (Harlod, 1960). روند صعودی مشارکت دراز مدت زنان در نیروی کار ممکن است مرتبط با این واقعیت باشد که خانواده برخی از وظایف مرتبط با آموزش، کودکان و دبستان را از دست داده است. در طول این سال‌ها که سازمان‌ها عهده دار مسئولیت‌های فرزندان می‌شوند، زن آزاد می‌شود تا به اشتغال در خارج از خانه مشغول شود (Smelser, 1997).



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش.

زنان در طول تاریخ در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی نقشی مهم و تاثیر گذار داشته اند. این نقش نسبت به زمان و مکان تغییرات قابل توجهی داشته است. از جمله در جوامع روستایی، نقش زنان هم در تولید کالا و خدمات خارج از خانه و هم تولیدات و خدمات مرتبط با درون خانه از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. در جوامع شهری پییدایش فناوری های مرتبط با وظایف خانهداری (ماشین لباسشویی، ظرفشویی، چرخ گوشت و...) موجب صرفه جویی در زمان انجام این فعالیتها شده و فرصت آزادی را برای زنان خانه دار بوجود آورده است که امکان عرضه این نیروی کار بوجود آمده است (Alidoost et al, 2012).

از نظر دابسون امروزه موانع عمده اشتغال زنان روستایی در نبود ظرفیت سازی، نبود توانمندسازی و نبود تسریع رشد از راه تحرک بخشی نهفته است. با توجه به این مطلب تا کنون مطالعات متعددی در زمینه بررسی موانع اشتغال زنان و بویژه زنان روستایی انجام گرفته است که در جدول زیر به نمونههایی از آن اشاره شده است.

جدول ۱- خلاصه‌ای از مطالعات انجام شده در زمینه موانع اشتغال زنان روستایی.

پژوهشگر	سال	عنوان پژوهش	نتایج
<i>Green, Moore, Easton & Heggie</i>	2004	موانع اشتغال زنان و پیشرفت در بازار کار در شمال شرق انگلستان	این پژوهش عوامل سازمانی و فرهنگی را از موانع اشتغال زنان می‌داند. از جمله تمایز جنسیتی، و شکاف دستمزد زن و مرد
<i>Dadvarkhani</i>	2005	توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان	در این پژوهش متغیرهای اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی مورد سنجش قرار گرفت. که از بین عوامل تأثیرگذار بر اشتغال زنان، عامل درآمد خانوار، طبقه اجتماعی، سواد و انزوای جغرافیایی بیش بیشترین اثر را بر جای گذارده است.
<i>Seydan & Khalifeloo</i>	2008	بررسی عوامل موثر بر مقدار ارتقای شغلی زنان شاغل در اداره های دولتی شهرستان اسکو، با تاکید بر خانواده	میزان ارتقای شغلی زنان این شهرستان از میزانی متوسط برخوردار بوده و عوامل خانوادگی بیش از سایر عوامل در عدم ارتقای شغلی زنان مؤثر است و محرک های تنش‌زای خانوادگی، به طور غیرمستقیم و از طریق فشار نقش تاثیر می‌پذیرد. عوامل سازمانی در این میان نقشی ندارد.
<i>Sharbatiyan</i>	2008	بررسی ابعاد و موانع اجتماعی اشتغال زنان	وجود موانع اجتماعی چون بی توجهی به آموزش زنان، تمایز کاری میان اشتغال زنان و مردان وجود موانع اقتصادی چون نداشتن دستمزد برابر، اختلاف سطح دستمزدها، نابرابری درآمدها، نوع مشاغل و استثمار شغلی موجب شده است که نوعی پایداری در عرصه توسعه اشتغال زنان در جامعه بوجود آید.
<i>Tavallaei</i>	2010	بررسی عوامل مؤثر بر مقدار مشارکت اجتماعی زنان	موانع فردی از جمله: سطح سواد زن موانع خانوادگی مانند شمار فرزند در خانواده، وضعیت اقتصادی خانواده و سطح درآمد؛ و موانع جامعه از جمله: کارکردهای حمایتی، آموزش از راه وسایل ارتباط جمعی، تبعیض موجود در جامعه.
<i>Alidoost, Lashkar Ara & Farjale</i>	2012	اولویت بندی موانع توسعه کارآفرینی	زنان کم‌تر از یک ششم جمعیت فعال اقتصادی کشور را شامل می‌شود که این امر حاکی از آن است

زنان روستایی که ساختار اقتصادی کشور به راحتی نمی‌تواند شهرستان گرمسار فرصت‌های شغلی مناسبی را برای زنان فراهم نماید.			
باور مدیران بر اهمیت و ضرورت نقش اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی اشتغال زنان و این‌که اشتغال زنان هم خود آنان و هم جامعه را منتفع می‌سازد.	2013	Rafatkhah & Kheyrkhah	مسایل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی
نابرابری جنسیتی از موانع رسیدن زنان به مناصب شغلی بالا است.	2013	Schwanke	موانع برای زنان برای دستیابی به مناصب قدرت
وجود رابطه معناداری بین باورهای سنتی موجود در جامعه، تبعیض در امکانات، پایگاه اجتماعی زنان، فرهنگ مردم سالاری و تحصیلات و اشتغال زنان. نبود رابطه معناداری بین وضعیت اقتصادی زنان و وضعیت اشتغال آن‌ها	2015	Smeeili	بررسی موانع اجتماعی فرهنگی اشتغال زنان در شهر ایلام و آرایه راهکار
به بررسی موانع اشتغال زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی می‌پردازد و ۱- موانع فردی ۲- موانع خانوادگی ۳- موانع اجتماعی ۴- موانع اقتصادی ۵- موانع آموزشی را از مهم‌ترین موانع اشتغال زنان روستایی عنوان کرده است.	2015	Hasanzade	موانع اشتغال زنان روستایی در توسعه پایدار

ابزار و روش

این پژوهش از نوع کاربردی است که به شیوه توصیفی - تحلیلی برای بررسی پارامترهای مورد بررسی سود جسته است. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان روستایی در سن فعالیت دهستان بالا ولایت شهرستان کاشمر، که جمعیت ۱۰۱۹۴ نفر را تشکیل می‌دهند (Health center of Kashmar, 2016). از این جامعه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۷۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد؛ هم‌چنین، با استفاده از روش تخصیص متناسب تعداد پرسش‌نامه در هر روستا مشخص شد (جدول ۲).

برای گردآوری داده‌ها از دو شیوه اسنادی و میدانی (مبتنی بر پرسش‌نامه) استفاده شده است به گونه‌ای که برای مبانی نظری از روش پژوهش کتابخانه‌ای و برای گردآوری داده‌ها از روش میدانی و از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد که در کل ۳۰ گویه را شامل می‌شود. پرسش‌نامه بر اساس ابعاد و متغیرهای تبیین‌کننده در چارچوب طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت ارزیابی شد. روایی

پرسش‌نامه با استفاده از نظرهای کارشناسان و اساتید دانشگاهی تأیید شد. بمنظور بررسی پایایی ابزار پژوهش، یک مطالعه راهنما در خارج محدوده مورد مطالعه با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه ترتیب داده شد و پایایی کلی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۹۵ بدست آمد که حاکی از مناسب بودن ابزار پژوهش است.

جدول ۲- جمعیت زنان دهستان بالا ولایت شهرستان کاشمر و نمونه‌های منتخب.

اسامی روستاها	تعداد زنان در سن فعالیت	نمونه انتخاب شده
فرح آباد (قلعه بالا)	۹۸۹	۳۶
فرگ	۹۹۶	۳۶
رزق آباد	۹۸۶	۳۶
عارف آباد	۸۰۶	۲۹
فدافن	۱۶۷۲	۶۱
فروتقه	۱۱۴۳	۴۱
تربقان	۵۹۸	۲۲
قوژد	۱۷۴۴	۶۳
جردوی	۲۶۳	۱۰
قوچ پلنگ	۲۱۰	۸
کازغونه	۴۰	۱
تل آباد	۱۰۷	۴
نای	۲۶۶	۱۰
فرشه	۲۰۳	۷
بهاریه	۲۵	۱
اسحاق آباد	۱۲۰	۴
گندبر	۲۶	۱
کل	۱۰۱۹۴	۳۷۰

محدوده مورد مطالعه

شهرستان کاشمر دارای دو بخش مرکزی و کوهسرخ و پنج دهستان به نام‌های دهستان‌های بالا ولایت، پایین ولایت (بخش مرکزی)، برکوه، بررود و تکاب (بخش کوهسرخ) می‌باشد. دهستان بالا ولایت به مرکزیت قلعه بالا (فرح‌آباد) در شرق شهرستان، با مساحت ۶۸۹ کیلومتر مربع و فاصله ۹ کیلومتر با شهر کاشمر واقع شده است. این دهستان در طول جغرافیایی ۲۶' ۵۸ تا

۴۴' ۵۸ و عرض جغرافیایی ۴۱' ۳۴ تا ۵۶' ۳۴ قرار دارد که از سمت شمال به بخش کوهسرخ و دهستان پایین ولایت و از غرب به شهرستان خلیل آباد و از شرق به شهرستان مه‌ولات محدود می‌شود (Monazzampour & Kardavani, 2010). بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت دهستان بالا ولایت ۲۸۱۸۸ نفر (۸۴۶۵ خانوار) بوده که با توجه به مساحت ۶۸۹ کیلومتر مربع دهستان، تراکم نسبی ۴۰/۹۱ را شامل می‌شود. از این تعداد ۱۳۸۲۰ نفر مرد و ۱۴۳۶۸ نفر زن می‌باشند. پرجمعیت ترین روستای دهستان در سال یاد شده، روستای قوژد با جمعیتی بالغ بر ۴۳۴۴ نفر بوده که در فاصله ۲ کیلومتری جنوب شهر کاشمر واقع شده است (Iran's Statistical Organization, 2011).

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های عمومی پاسخگویان: میانگین سنی جامعه نمونه ۳۶ سال، با کمینه ۱۶ و بیشینه ۶۲ سال می‌باشد. در بخش آمار توصیفی نتایج نشان داد از تعداد ۳۷۰ زن مشارکت کننده در پژوهش ۴۲/۷ درصد خانه‌دار (۱۵۸ نفر)، ۱۹/۴ درصد قالیباف (۷۲ نفر)، ۶/۷ کارگر کشاورزی (۲۵ نفر)، ۴/۹ درصد کارگر قارچ (۱۸ نفر)، ۱۳/۲ درصد کارگر فصلی (۴۹ نفر)، ۷/۳ درصد آرایشگر (۲۷ نفر)، ۲/۴ درصد نانوا (۹ نفر) و ۳/۲ درصد فروشنده (۱۲ نفر) بودند که بیشترین فراوانی مربوط به قالیبافی ۶۸ نفر بود. از این تعداد ۲۲۳ نفر متأهل و ۱۴۷ نفر مجرد بودند. جدول ۳ سطح تحصیلات پاسخگویان را نشان می‌دهد.

جدول ۳- سطح تحصیلات.

سطح تحصیلات	تعداد	درصد فراوانی
بی سواد	۴۰	۱۰/۸
ابتدایی	۱۱۱	۳۰
راهنمایی	۷۴	۲۰
دیپلم و زیردیپلم	۱۰۴	۲۸/۱
لیسانس و بالاتر	۴۱	۱۱/۱
جمع	۳۷۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

تحلیل عاملی

تحلیل عاملی روشی هم وابسته بوده که در آن تمامی متغیرها به گونه هم‌زمان مد نظر قرار می‌گیرد. هدف اصلی آن، خلاصه کردن داده‌هاست. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت، آن‌ها را در چارچوب عامل‌های عمومی محدودی

دسته‌بندی و تبیین می‌کند. بنابراین، ارزش تحلیل عاملی این است که طرح سازمانی مفیدی بدست می‌دهد که می‌توان آن را برای تفسیر انبوهی از رفتار با بیش‌ترین صرفه‌جویی در سازه‌های تبیین‌کننده، بکار برد. پیش از پرداختن به این روش آماری لازم است برخی از مفاهیم کلیدی این روش معرفی شوند.

مقدار ویژه^۱: مقدار ویژه میزان واریانس تبیین شده به وسیله هر عامل را بیان می‌کند.

عامل^۲: عبارت است از ترکیب خطی متغیرهای اصلی که نشان دهنده جنبه‌های خلاصه شده‌ای

از متغیرهای مشاهده شده است. به عامل، متغیر پنهان نیز گفته می‌شود.

بار عاملی^۳: عبارت است از همبستگی بین متغیرهای اصلی و عوامل. اگر مقادیر بار عاملی مجذور شوند، نشان می‌دهند که چند درصد از واریانس در یک متغیر به وسیله آن عامل تبیین می‌شود (Zare Chahooki, 2010). این مقدار باید دست‌کم ۰/۳۰ باشد.

در این پژوهش، ابتدا با توجه به پژوهش‌های گذشته ۳۰ متغیر شناسایی شده و به کمک توزیع پرسش‌نامه بین ۳۷۰ نفر به عنوان نمونه، داده‌های مربوطه گردآوری شده است. طیف پاسخ به پرسش‌ها، طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت است که هر یک از پاسخ‌ها به صورت «خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵» ارزش‌گذاری شده است. می‌خواهیم برای شناخت عوامل اصلی از تحلیل عاملی استفاده کنیم. اما باید ببینیم که داده‌ها برای استفاده در این آزمون مناسب هستند یا نه.

با توجه به جدول ۴، مقدار آماره KMO برابر با ۰/۸۰۹ می‌باشد، پس داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب‌اند. هم‌چنین، نتایج آزمون کرویت بارتلت نیز معنی‌دار است، به این مفهوم که فرض مخالف تأیید می‌شود، یعنی بین متغیرها همبستگی معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۴- آماره KMO و نتایج آزمون کرویت بارتلت.

مقدار آماره KMO	۰/۸۰۹
مقدار خی دو	۱۷۲۱/۸۹
درجه آزادی	۴۶۵
سطح معناداری	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

^۱- Eigenvalue

^۲- Factor

^۳- Factor loading

در این مرحله به استخراج عامل‌ها می‌پردازیم. هدف مرحله استخراج عامل‌ها، بدست آوردن سازه‌های زیربنایی است که تغییرات متغیرهای مورد مشاهده را موجب شده است. *Spss* نخست ترکیب‌هایی از متغیرها را که همبستگی‌های آن‌ها بالاترین مقدار از واریانس کل مشاهده شده را نشان می‌دهد، انتخاب می‌کند؛ این مجموعه عامل ۱ را می‌سازد. عامل ۲، مجموعه متغیرهایی است که بالاترین سهم را در تبیین واریانس باقیمانده دارد. این شیوه برای عامل سوم، چهارم و عامل‌های بعدی ادامه پیدا می‌کند تا تعداد عامل‌های استخراج شده برابر با تعداد متغیرها گردد. جدول ۵ نتایج تحلیل داده‌ها را پس از چرخش نشان می‌دهد. از مجموع ۳۰ گویه مورد بررسی ۸ عامل نهایی تبیین شدند. به بیان دیگر، تعداد عواملی که معنی‌دار بوده و مقدار ویژه آن‌ها بیش از ۱ بوده، در مجموع توانسته‌اند ۶۰/۳۱۴ درصد از واریانس تمامی متغیرهای پژوهش را تبیین کنند. براساس یافته‌های پژوهش عامل نخست با مقدار ویژه ۲/۷۵۷ و درصد واریانس ۹/۱۸۹ بیش‌ترین مقدار از کل واریانس را به خود اختصاص داده است. کم‌ترین مقدار نیز مربوط به عامل هشتم با مقدار ویژه ۱/۷۸۰ و ۵/۹۳۵ درصد از کل واریانس تبیین شده می‌باشد.

جدول ۵- عامل‌های نهایی تحلیل داده‌ها.

فهرست عوامل استخراجی	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۲/۷۵۷	۹/۱۸۹	۹/۱۸۹
۲	۲/۶۲۷	۸/۷۵۵	۱۷/۹۴۵
۳	۲/۳۸۷	۷/۹۵۵	۲۵/۹۰۰
۴	۲/۳۰۷	۷/۶۹۰	۳۳/۵۹۰
۵	۲/۱۷۹	۷/۲۶۳	۴۰/۸۵۳
۶	۲/۰۶۱	۶/۸۷۱	۴۷/۷۲۴
۷	۱/۹۹۷	۶/۶۵۶	۵۴/۳۷۹
۸	۱/۷۸۰	۵/۹۳۵	۶۰/۳۱۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

پس از چرخش عامل‌ها، ۸ عامل به عنوان عامل سیاست‌گذاری، عامل اقتصادی، عامل فنی، عامل اجتماعی عامل آموزشی-مدیریتی، عامل فرهنگی و عامل روان‌شناختی (عامل ۷ و ۸) شناسایی شده‌اند. جهت نامگذاری عامل‌ها از محتوا و معنای متغیرها استفاده می‌کنیم. با توجه به محتوا و مفهوم متغیرهای قرار گرفته در عامل نخست، آن را عامل سیاست‌گذاری نامیده‌ایم که

دارای سه شاخص می‌باشد (جدول ۸). این عامل بیش‌ترین مقدار واریانس تبیین شده (۹/۱۸۹) را به خود اختصاص داده است.

دومین عامل بیانگر موانع اقتصادی اشتغال زنان روستایی می‌باشد. این عامل شامل ۵ متغیر بوده که ۸/۷۵۵ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده است (جدول ۶).

سومین عامل بیانگر موانع فنی اشتغال زنان روستایی می‌باشد. این عامل شامل ۴ متغیر بوده که ۷/۹۵۵ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده است (جدول ۶).

چهارمین عامل بیانگر موانع اجتماعی اشتغال زنان روستایی می‌باشد. این عامل شامل ۴ متغیر بوده که ۷/۶۹۰ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده است (جدول ۶).

پنجمین عامل بیانگر موانع آموزشی - مدیریتی اشتغال زنان روستایی می‌باشد. این عامل شامل ۵ متغیر بوده که ۷/۲۶۳ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده است (جدول ۶).

ششمین عامل بیانگر موانع فرهنگی اشتغال زنان روستایی می‌باشد. این عامل شامل ۴ متغیر بوده که ۷/۹۵۵ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده است (جدول ۶).

عامل هفتم و هشتم شامل متغیرهای روان‌شناختی می‌باشد. بنابراین، این دو عامل با یک عنوان بیان شده و با یکدیگر ترکیب کرده‌ایم. این عامل شامل ۵ متغیر بوده که در کل ۱۳/۵۲۷ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۶).

جدول ۶- عوامل استخراجی تحلیل عاملی.

عامل	متغیر	بارعاملی	عامل	متغیر	بارعاملی
۱- سیاست‌گذاری	وجود محدودیت برای فعالیت مستقل زنان	۰/۸۸۹	۵- نداشتن دانش مدیریتی	نداشتن یا سازمان پشتیبان زنان	۰/۵۳۷
	نبود یک سازمان متولی و حامی	۰/۸۸۲		پایین بودن سطح سواد	۰/۷۶۶
	نبود جایگاه مناسب در سیاست‌های توسعه کشور	۰/۸۷۸		کمبود دانش فنی و مهارت	۰/۵۲۱
۲- اقتصادی	نداشتن پشتوانه مالی و پس انداز کافی	۰/۶۵۲	۵- نداشتن مدیریتی	نداشتن دسترسی به داده‌های نوین	۰/۵۱۳
	نداشتن وثیقه و ضامن	۰/۶۲۳		نبود کلاس‌های تخصصی	۰/۵۳۰
	عدم تنوع فعالیت‌های روستا	۰/۶۴۳		نداشتن مدیریت کافی	۰/۴۹۵

۰/۶۹۴	موافقت نکردن خانواده	۰/۵۶۱	عدم توانایی در امور بانکی	
۰/۴۰۲	وظایف زیاد زنان در خانه	۰/۴۵۷	نبود بازار محلی	
۰/۵۳۳	اجازه ندادن همسر	۰/۵۲۸	دسترسی نداشتن به فناوری‌های نوین	
۰/۶۳۰	وابستگی به همسر یا سرپرست	۰/۵۶۶	دسترسی نداشتن به متخصصان	
۰/۵۶۷	نداشتن توانایی در رقابت با مردان	۰/۵۰۰	مهارت پایین در زمینه استفاده از ابزار آلات و فناوری نوین	۳- فنی
۰/۷۲۰	پایین بودن سطح خلاقیت	۰/۴۲۳	دسترسی نداشتن به نهاده‌های تولیدی (زمین، نیروی کار)	
۰/۶۹۶	ناتوانی مقابله با مشکلات پیش بینی نشده	۰/۶۰۸	ناامنی اجتماعی برای حضور زنان در بازار	
۰/۶۹۹	نداشتن شناسایی به موقع فرصت‌ها	۰/۵۴۴	محدودیت‌های اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار	۴- اجتماعی
۰/۵۹۲	پایین بودن سطح ریسک	۰/۶۱۹	نگاه نه چندان مثبت به حضور زنان در بازار	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

آزمون فرضیه‌ها

آزمون فریدمن یکی دیگر از آزمون‌های ناپارامتری است که معادل آزمون F در آمار پارامتری می‌باشد. این آزمون برای مقایسه بیش از ۳ گروه همبسته بکار می‌رود. همچنین، از این آزمون برای بررسی یکسان بودن اولویت‌بندی (رتبه‌بندی) تعدادی از متغیرهای وابسته توسط افراد استفاده می‌شود (Nava Bakhsh et all, 2011). در این پژوهش، از ۳۰ شاخص مورد بررسی (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، آموزشی- مدیریتی، روان‌شناختی، فنی و سیاست‌گذاری) با عنوان موانع موثر

بر اشتغال زنان روستایی استفاده شده است. در جدول ۷، شاخص‌ها با استفاده از آزمون فریدمن رتبه‌بندی شده‌اند. در این میان شاخص «نداشتن پشتوانه مالی و پس انداز کافی»، با میانگین ۱۹/۲۶ بیش‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده است. بدین ترتیب فرضیه پژوهش مبنی بر این‌که «در بین شاخص‌های ابعاد گوناگون، شاخص نداشتن پشتوانه مالی و پس انداز کافی بیش‌ترین اثر بازدارندگی در اشتغال زنان را دارا می‌باشد» با میانگین رتبه‌ای ۱۹/۲۶ تایید شده؛ فرض آماری H_0 رد و H_1 تایید می‌شود. آنچه که در بررسی شاخص‌ها مشاهده می‌شود، شاخص‌های «پایین بودن سطح سواد زنان» و «وظایف زیاد زنان در خانه» با میانگین ۱۸/۰۴ و ۱۷/۲۴ بعد از شاخص «نداشتن پشتوانه مالی و پس انداز کافی» به ترتیب بیش‌ترین مقدار میانگین رتبه را دارا بوده‌اند و اما کم‌ترین میانگین رتبه متعلق به شاخص نداشتن توانایی زنان در امور بانکی با مقدار ۱۲/۹۰ می‌باشد. در این منطقه فعالیت زنان بیش‌تر در امور خانه‌داری محدود شده است که این امر باعث نادیده گرفتن استعداد و توانایی آنان شده است. با توجه به نیاز جوامع امروزی، می‌توان با افزایش حمایت از زنان و افزایش آگاهی مردم در رابطه با حقوق زنان در کسب درآمد و اشتغال در خارج از خانه، به حمایت از زنان پرداخته و از استعداد و توانایی آنان در جامعه بهره‌مند شد.

جدول ۷- میانگین رتبه در هر شاخص.

ردیف	شاخص	میانگین رتبه	ردیف	شاخص	میانگین رتبه
۱	وجود محدودیت برای فعالیت مستقل زنان	۱۷/۱۶	۱۶	نبود صنف یا سازمان پشتیبان زنان	۱۶/۳۴
۲	نبود یک سازمان متولی و حامی زنان	۱۵/۴۸	۱۷	پایین بودن سطح سواد	۱۸/۰۴
۳	نبود جایگاه مناسب در سیاست- های توسعه کشور	۱۴/۹۲	۱۸	کمبود دانش فنی و مهارت	۱۵/۲۳
۴	نداشتن پشتوانه مالی و پس انداز کافی	۱۹/۲۶	۱۹	دسترسی نداشتن به داده‌های نوین	۱۵/۳۴
۵	نداشتن وثیقه و ضامن	۱۶/۹۹	۲۰	نبود کلاس‌های تخصصی	۱۳/۹۴
۶	عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصادی روستا	۱۵/۹۴	۲۱	نداشتن مدیریت کافی	۱۴/۹۵
۷	عدم توانایی در امور بانکی	۱۲/۹۰	۲۲	موافقت نکردن خانواده	۱۵/۰۸
۸	نبود بازار محلی	۱۶/۰۰	۲۳	وظایف زیاد زنان در خانه	۱۷/۲۴
۹	دسترسی نداشتن به فناوری‌های نوین	۱۶/۵۹	۲۴	اجازه ندادن همسر	۱۵/۰۱
۱۰	عدم دسترسی به متخصصان	۱۵/۲۴	۲۵	وابستگی به همسر یا سرپرست	۱۶/۳۰
۱۱	مهارت پایین در زمینه استفاده از	۱۵/۹۵	۲۶	نداشتن توانایی در رقابت با	۱۴/۳۷

مردان		ابزار آلات و فناوری نوین	
۱۶/۵۱	پایین بودن سطح خلاقیت	۲۷	دسترسی نداشتن به نهاده‌های تولیدی (زمین، نیروی کار)
۱۴/۷۹	ناتوانی مقابله با مشکلات پیش بینی نشده	۲۸	ناامنی اجتماعی برای حضور زنان در بازار
۱۴/۰۹	شناسایی نکردن به موقع فرصت‌ها	۲۹	محدودیت‌های اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار
۱۴/۰۲	پایین بودن سطح ریسک	۳۰	نگاه نه چندان مثبت به حضور زنان در بازار

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

در جدول ۷ میانگین رتبه‌ها را در هر شاخص نشان دادیم و در جدول زیر (جدول ۸) میانگین رتبه هر یک از ابعاد را با استفاده از آزمون فریدمن نشان داده‌ایم. چنانچه مشاهده می‌شود، بعد فرهنگی با میانگین ۴/۲۴ بیش‌ترین میانگین را دارا می‌باشد که این نشان می‌دهد فرضیه دوم مبنی بر این که «بین ابعاد گوناگون بازدارنده اشتغال زنان بعد اقتصادی بیش‌ترین اثر را دارد» رد شده و فرض آماری یک یعنی H_0 تایید می‌گردد. در جدول ۹، حجم نمونه آماری (N)، آماره χ^2 (Chi-Square)، درجه آزادی (df) و سطح پوشش آماره آزمون ($Asymp. Sig.$) در هر یک از ابعاد محاسبه شده است. اگر سطح پوشش آماره آزمون ($Asymp. Sig.$) از ۵ درصد کم‌تر باشد، فرضیه تایید می‌شود؛ در غیر این صورت باید فرض آماری صفر (H_0) را نتیجه‌گیری کنیم. تمام ابعاد با بیش از ۹۵ درصد اطمینان و سطح معناداری صفر تایید می‌شوند. براساس آزمون و سطح معناداری می‌توان این گونه نتیجه گرفت که بین ابعاد گوناگون موانع اشتغال زنان تفاوت وجود دارد و مقدار تفاوت آن‌ها براساس میانگین گویه‌ها مشخص می‌شود. آنچه که جدول ۱۰ نشان می‌دهد، بعد فرهنگی با میانگین ۴/۲۴ بیش‌ترین مقدار و بعد اجتماعی با میانگین ۳/۸۱ کم‌ترین مقدار را دارا هستند، اما نمی‌توان گفت که بعد اجتماعی بی‌تاثیر بوده است؛ به بیان دیگر، ابعاد دیگر مورد بررسی، تاثیری کم‌تر نسبت به بعد فرهنگی دارند. بر اساس آنچه از آزمون بدست آمده است، ابعاد بسیار نزدیک به هم هستند و هر کدام به گونه‌ای سهمی در عدم اشتغال زنان در دهستان بالاوولایت را دارا می‌باشند.

جدول ۸- میانگین رتبه در هر بعد.

ردیف	بعد	میانگین رتبه
۱	سیاست‌گذاری	۴/۲۱
۲	اقتصادی	۴/۱۵
۳	فنی	۴/۰۷
۴	اجتماعی	۳/۸۱

۳/۹۱	آموزشی - مدیریتی	۵
۴/۲۴	فرهنگی	۶
۳/۶۱	روان‌شناختی	۷

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

جدول ۹- آزمون فریدمن، ابعاد مورد بررسی در پژوهش.

تعداد		تعداد		
۳۷۰	تعداد	۳۷۰	تعداد	
۵۱/۲۶	مقدار خی دو	۱۵/۶۹	مقدار خی دو	بعد
۴	درجه آزادی	۲	درجه آزادی	سیاست‌گذاری
۰/۰۰۰	سطح معناداری	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۷۰	تعداد	۳۷۰	تعداد	
۴۰/۷۹	مقدار خی دو	۷۱/۱۲۵	مقدار خی دو	بعد اقتصادی
۳	درجه آزادی	۴	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۷۰	تعداد	۳۷۰	تعداد	
۲۵/۶۱	مقدار خی دو	۱۳/۷۲	مقدار خی دو	بعد فنی
۴	درجه آزادی	۳	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
		۳۷۰	تعداد	
		۲۱/۰۶	مقدار خی دو	بعد اجتماعی
		۳	درجه آزادی	
		۰/۰۰۰	سطح معناداری	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی بررسی موانع موثر بر اشتغال زنان روستایی (دهستان بالاولایت) است، به این منظور، از ۳۰ گویه -به صورت پرسش‌نامه و براساس طیف لیکرت- و از ۳۷۰ زن در سن فعالیت در منطقه مورد مطالعه استفاده شد. در بخش تحلیل عاملی عوامل نهایی تبیین شدند که پس از چرخش عامل‌ها، ۸ عامل به عنوان عامل سیاست‌گذاری، عامل اقتصادی، عامل فنی، عامل اجتماعی عامل آموزشی - مدیریتی، عامل فرهنگی و عامل روان‌شناختی (عامل ۷ و ۸) شناسایی شده‌اند. این عوامل در مجموع توانسته‌اند ۶۰/۳۱۴ درصد از واریانس تمامی متغیرهای پژوهش را تبیین کنند. نتایج نشان دادند که عامل نخست با مقدار ویژه ۲/۷۵۷ و درصد واریانس ۹/۱۸۹ بیش‌ترین مقدار و عامل هشتم با مقدار ویژه ۱/۷۸۰ و ۵/۹۳۵ درصد کم‌ترین مقدار از کل واریانس را دارا می‌باشند. هم‌چنین، با توجه به نتایج پژوهش، از بین عوامل مؤثر بر اشتغال زنان (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی - مدیریتی، فنی، روان‌شناختی و سیاست‌گذاری) عامل فرهنگی، مهم‌ترین عامل بوده و از میان شاخص‌ها، شاخص «نداشتن پشتوانه مالی و پس انداز کافی»، با میانگین رتبه ۱۹/۲۶ بیش‌ترین تاثیرگذاری را داشته است. در بعد فرهنگی بالاترین میانگین مربوط به شاخص «وظایف زیاد زنان در خانه» (میانگین ۱۷/۲۴)، در بعد اجتماعی بالاترین میانگین مربوط به شاخص «نبود صنف یا سازمان پشتیبان زنان» (میانگین ۱۶/۳۴)، در بعد آموزشی - مدیریتی بالاترین میانگین متعلق به شاخص «پایین بودن سطح سواد» (میانگین ۱۸/۰۴)، در بعد روان‌شناختی بالاترین میانگین متعلق به شاخص «پایین بودن سطح خلاقیت» (میانگین ۱۶/۵۱)، در بعد فنی بالاترین میانگین متعلق به «نداشتن دسترسی به فناوری‌های نوین» (میانگین ۱۶/۵۹) و در بعد سیاست‌گذاری بالاترین میانگین متعلق به شاخص «وجود محدودیت زیاد برای فعالیت مستقل زنان» (میانگین ۱۷/۱۶) بوده است.

اگر بخواهیم مقایسه‌ای با مقاله‌های دیگر داشته باشیم؛ نتایج مقاله‌ای با عنوان شناسایی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی به نقل از قادرمرزی و همکاران (۱۳۹۴: ۱۱۴) نشان می‌دهند که در بعد فرهنگی - اجتماعی، سه متغیر ناامنی اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار، موافقت نکردن خانواده برای حضور زنان در بازار کسب و کار و تجارب و محدودیت‌های اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار و تجارب در مقابل باور نداشتن جامعه به توان زنان در امر نوآوری و کارآفرینی، اجازه ندادن همسر به اشتغال زنان در بازار و امور تجارت و وابسته بودن زنان به نظرهای همسر و سرپرست از مهم‌ترین موانع اشتغال زنان در جامعه است که تقریباً مطابق با یافته‌های این پژوهش است.

هم‌چنین، نتایج پژوهش غفاری (۱۳۷۷) نشان می‌دهند کمبود کار برای زنان در جامعه بیش‌تر علت فرهنگی و اجتماعی دارد که با نتایج این پژوهش همخوانی دارد.

مشکل اشتغال زنان در ایران ریشه‌ای بوده که در آن فرهنگ، رسوم و عادات دست دارند. این ارزش‌های ایرانی مذهبی گاه مطلوب و گاه بیش از حد بازدارنده‌اند. در کنار عوامل فرهنگی می‌توان از مسایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و... هم یاد کرد.

حال با توجه به این پژوهش و دیگر پژوهش‌های انجام شده، راهکارهای آرایه شده می‌تواند در توسعه اشتغال زنان در مناطق روستایی نقشی بیش‌تر داشته باشد؛ لذا، در این مورد با فرهنگ‌سازی بیش‌تر از راه برگزاری کلاس‌های آموزشی در سطح روستا، سخنرانی در جلسه‌های عمومی، انتشار پوستر و بروشور و... می‌توان حضور زنان در عرصه اشتغال و تولید را بیش‌تر کرد.

در بعد موانع اقتصادی حمایت و پشتیبانی بیش‌تر خانواده و دولت از زنان در عرصه‌های گوناگون؛ تعیین سطح حقوقی برابر با مردان در جامعه؛ معافیت از مالیات‌ها؛ تخصیص امتیازهای ویژه به زنان در مقایسه با مردان می‌تواند موانع اشتغال زنان را کمینه کند.

هم‌چنین، در بعد آموزشی مدیریتی، با بالا بردن سطح سواد زنان روستایی از راه تشکیل کلاس‌های نهضت سوادآموزی و تشویق خانواده‌ها به اجازه ادامه تحصیل به دخترانشان و جلوگیری از ازدواج‌های زودرس دختران و هم‌چنین، با ایجاد کسب و کارهای نوین در بین زنان و افزایش دانش فنی و مهارت تخصصی زنان از راه برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه ارتقای مدیریت زمانی و استفاده بهینه از فرصت‌های موجود، ارتباط عینی و ملموس زنان با کارگاه‌ها و آموزشگاه‌های صنعتی، فنی و حرفه‌ای می‌تواند در تعدیل موانع یادشده موثر باشند.

بررسی عوامل روان‌شناختی نشان می‌دهد پایین بودن سطح ریسک‌پذیری زنان نسبت به مردان و ناتوانی زنان در مقابله با مشکلات و رویدادها در اشتغال زنان تأثیری سوء دارد؛ لذا می‌توان با آموزش مهارت‌های روان‌شناختی مانند جرات‌ورزی این موانع را از سر راه اشتغال زنان رفع کرد.

بررسی بعد فنی نیز نشان داد کمبود آموزش و تخصص در بین زنان و مهارت پایین در استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین می‌تواند بر اشتغال زنان تأثیر داشته باشد؛ لذا، آرایه روش‌های آموزشی برای آشنایی با تسهیلات می‌تواند در رفع این موانع موثر باشد.

در بعد سیاست‌گذاری نبود جایگاه مناسب زنان بویژه زنان روستایی در سیاست‌های توسعه کشور مهم‌ترین مانع اشتغال و کارآفرینی زنان است که همسو با نتایج پژوهش‌های قادرمرزی و همکاران (۱۳۹۴) می‌باشد. بنابراین، توجه بیش‌تر به نقش زنان در برنامه‌های توسعه بویژه زنان روستایی در ارتقای جایگاه کنونی آن‌ها می‌تواند موثر باشد.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- تغییر ذهنیت و باورهای سنتی نسبت به زنان و افزایش و تقویت اعتماد به نفس، خودابزاری و خوداتکایی جهت شکوفاسازی امکانات و استعدادهاى نهفته زنان روستایی.
- ۲- بالا بردن سطح آموزش و نیز افزایش بینش زنان روستایی در مورد اهمیت مشارکت آنان در فعالیت‌های آموزشی- ترویجی و ارائه خدمات فرهنگی به آنان.
- ۳- ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای مشارکت زنان روستایی در تمامی سطوح مدیریتی، بویژه در فعالیت‌های روستایی.
- ۴- توسعه و گسترش دامنه مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های عمرانی روستا.
- ۵- آموزش در راستای رفع تبعیض جنسیتی در خانه و فعالیت‌های اجتماعی.

References

- Ahmadi, V. & Keshavarz, Z. (2012). *An analysis of social and cultural obstacles to the employment of women and its role in the development of e-journals. (PERSIAN)*
- Alaaddini, P. & Razavi, M.R. (2004). *the state of Iranian women's employment and participation, Journal of Social Welfare, Number 12, pp. 132-157. (PERSIAN)*
- Alidoost, S. Lashgarara, F. & Hosseini, F. (2012). *Prioritizing rural women entrepreneurship development obstacles in Garmsar province, National Conference of entrepreneurship and management of knowledge-based businesses. (PERSIAN)*
- Alizadeh, M. (2011). *The role of women's employment in development. Scientific Journal of women and Culture, 2(5): 49-59. (PERSIAN)*
- Dadvarkhani, F. (2005). *Rural development and women's employment challenges. Geographical studies, 55: 171-188. (PERSIAN)*
- Elmi, Z. (1383). *Macroeconomic policies and labour market in Iran. Women's Studies, 2(2): 17-37. (PERSIAN)*
- Esmaelpour, A. & Kardovani, P. (2010). *The role of agricultural crops with emphasis on Saffron in rural development of Kashmar province "Balavelayat province". Sarzamin geographical journal, 7(26): 31-51. (PERSIAN)*
- Esmaeili, S. (2015). *the examination of social and cultural obstacles to women's employment in the city of Ilam and providing solutions, master thesis of planning and social welfare, Allameh Tabatabaei University. (PERSIAN)*
- Green, P.E. Moore, J. Easton, H. & Heggie, J. (2004). *Barriers to Women's Employment and Progression in the Labour Market in the North East of England. Centre for Social and Policy Research University of Teesside.*

- Hadian, E. & Hamidpour, A. (1999). *Economic development and the contribution of women in the labour force*. *Journal of population*, 27 and 28: 20-30. (PERSIAN)
- Harlod L. Wilensky. (1960). *Work, Careers, and Social Intergration*", *International Social Science Journal*, Vol.12:543-560.
- Hassanzadeh, E. (2015). *Obstacles to the employment of rural women in sustainable development*. *The fourth congress of agriculture and sustainable natural resources*. (PERSIAN)
- Hemayatikalesh, S. (2010). *The study of factors affecting women's entrepreneurship (Case study: Tehran Chamber of Commerce, Industries and Mines)*. *Master Thesis of Public Administration, University of Sistan and Baluchestan*. (PERSIAN)
- Iran's Statistical Center. (2004). *The report of Statistical Center of the employment status in Iran*. <http://donya-e-eqtesad.com/SiteKhan/986487>, *Health Center of the city of Kashmar* (2006). (PERSIAN)
- Kar, M. (2000). *Women in Iran's labour market*. Tehran: Roshangaran publication and center of women's studies. P. 15. (PERSIAN)
- Kar, M. (1994). *Women in Iran's labour market*, Tehran: Roshangaran publication. (PERSIAN)
- Kazemipour, Sh. (2006). *Employment challenges of educated women in Iran*. *Institute of social and cultural studies of the ministry of science, research and technology*. 4. (PERSIAN)
- Khosravipour, B. & Foroushani, N. (2011). "women's participation and rural sustainable development", submitted to the *journal of labour and society*, Number 133, page 57-68. (PERSIAN)
- Mahmoudian, H. (2003). *The examination of women's participation in the labour force in province in the years 1355-1375*. *The survey of social sciences*, 21: 189-218. (PERSIAN)
- Najafikani, A.A. Hesam, M. & Ashour, H. (2015). *The assessment of the development of entrepreneurship in rural areas, case study: southern Estarabad province in the city of Gorgan*, *Quarterly Economic Space and Rural Development, Journal of economic space and rural development*, 4(10): 37-56. (PERSIAN)
- Nvabakhsh, M. Fathi, S. & Mokhtarpour, M. (2011). *application of statistical methods in social sciences by Spss software*, Tehran, Tahan publication. (PERSIAN)
- Pourrajab, P. Azadmanesh, Sh. & Mohammadi, M.R. (2013). *A sociological approach to rural women entrepreneurs' motivations for starting a business*, *Social Studies and Research Institute of Tehran University*, pp. 1-15. (PERSIAN)

- Rafatkah, M. & Kheirkhah, F. (2013). *Issues and challenges of Iranian women's employment from the perspective of employees in managerial positions. Journal of social and cultural development studies. (PERSIAN)*
- Schwanke, D.A. (2013). *Barriers for Women to Positions of Power: How Societal and Corporate Structures, Perceptions of Leadership and Discrimination Restrict Women's Advancement to Authority. EARTH COMMON JOURNAL, 3(2): 1-10.*
- Seidan, F. & Khalifeloo, A. (2008). *Family and women's career promotion: the examination of effective factors in women's career promotion working in governmental offices in the city of Osku, with the emphasis on family, Women Studies, 6(2): 90-190. (PERSIAN)*
- Sharbatian, M.H. (2008). *The examination of dimensions and social obstacles to the employment of women. Peyke Noor, 7(3): 85-95. (PERSIAN)*
- Smelser, N. (2007). *Economic sociology, Translation: M Kolahchi, Tehran: Kavir publication. (PERSIAN)*
- Tavakoli Vala, Z. (2006). *The examination of social and cultural obstacles to the employment of Iranian women in recent decades. The head office of Iranian Women News Agency. (PERSIAN)*
- Tavalayi, N. (2010). *The examination of effective factors in the level of women's social participation. Collection of training workshops articles, the development of women's participation/ promoters Allameh University. (PERSIAN)*
- Yazdkhasti, B. & Vakil, A. (2006). *The examination of women's activity and employment status in Iran with the emphasis on census 1385. Women Studies magazine, 1(3): 9-32. (PERSIAN)*
- Zarechahoki, M. A. (2010). *Methods of multivariate analysis in Spss software, University of Tehran. (PERSIAN).*